

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشتان

آزاد ل.

۰۹ مارچ ۲۰۱۳

عرض ادب خدمت استاد سخن

بعد از مدتهای زیاد خوشحال شدم از این که استاد سخن، دانشمند و مبارز گرانمایه کشور محترم دیپلوم انجنیر خلیل الله معرو فی به یکی از نوشته‌های من توجه فرموده و بنده را با الطاف بزرگوارانه و پر محبت انسانی مورد لطف خاص قرار داده‌اند واقعاً اشک خوشی ریختم با وجودی که خود را در آن مقام و منزلتی نمی‌بینم که انسانهایی مانند آقای معرو فی، مبارز کبیر و زندان دیده کبیر توخی و محترم خالق داد پغمانی و دانشمندان گرامی هر یک، رحیمه جان توخی، محک باستانی، ناتور رحمانی، افغان عامی، شاهین، عزیز نعیمی، دیپلوم انجنیر نسیرین معرو فی و مبارز نترس میرویس ودان محمودی و مبارز روشنگر آقای موسوی و چند شخصیت بزرگواری که همین لحظه اسمای شان به یادم نیست در باره من این همه خوب بیندیشند فقط این را می‌گذارم به قلب پاک، بزرگ اندیشی و بزرگواری خود شان !! اما لازم دیدم اگر گستاخی و زبان درازی تلقی نگردد چند جمله‌ای را به ارتباط نوشته‌ام در مورد **بیچاره زن** احترامانه توضیحاً تقدیم دارم.

ابتداء باید خاطر نشان سازم که از ادبیات مخصوصاً فارسی دری سر رشته و اندخته ای ندارم آنچه به فکر آمد در قید جملاتی که یاد دارم و فکر می‌کنم توضیح دهنده و حل کننده مطلب است نوشته و به این پورتال واقعاً با شهامت می‌فرستم . این گردانندگان پورتال است که آن نوشته ها را برای هموطنان گرانقدر قابل خواندن می‌سازند که ممنون شان هستم

دربار فنوشته **بیچاره زن** . همین قدر توضیح می‌توانم بدهم آنچه به ارتباط این موضوع در همان نوشته طرح داشته‌ام، از نگاه دلسوزی بوده و شکل (**تائیدی**) نداشته است (از نا کافی بودن قدرت افاده ام معذرت می‌خواهم) این هم از توجه خداوند است.

با معلومات کمی که از تاریخ کشور خود و اسلام دارم فهمیده ام در سرنوشت سازی زن افغان چه سیاه روزی و بد بختی های گذشته است و چه می‌گذرد و نتیجه‌ای نسبی که گرفته ام این بوده که سرنوشت زن افغان را خدا تعیین نمی‌کند. فقط مرد است (مرد سالاری) که تعیین کننده همه چیز در باره زن می‌باشد . این که نوشتیم بیچاره زن ؟؟ علت‌های به خصوصی دارد. یکی این که زن از طرف خدا و تمام پیامبران در همه ادیان منحصیث یک شی، مال، جنس و امثالهم توصیف شده و به مثابه وسیله رفع ضرورت‌های مرد از او یادهانی گردیده است. الله خودش حقوق زن را در کتاب مقدس (عهد قدیم و جدید) و قرآن نصف حقوق مرد شمرده و تابع دستورات مردانه معرفی داشته است . محمد گفته است : زنی که به هدایت شوهر خود از همجواری با او اطاعت نکند شب تا صبح هفتاد هزار فرشته آن زن را لعنت می‌کند و همچنین می‌گوید (زن مجبور به جوابدهی خواسته‌های سکسی شوهرش می‌باشد حتی اگر سوار بر شتر

باشد) و هزاران ملا و چلی و حتی پرو فیسوران اسلامی هم در باره تأیید و ضرورت همچو فتوا هائی گلو پاره نموده و سعی داشته‌اند مطلقاً زن را منحیث ملکیت بی چون و چرای مرد به مردم معرفی دارند و آنهای هم که از همین قماش ان دبا ریش های بلند و کوتاه و بی ریش در دفاع از حقوق زن بنا بر مصلحت های بادران شان گلو پاره می کنند و می‌آیند روز زن را تجلیل می دارند زن‌های خود شان در پشت هفت دروازه (مثل هفت گره بند تنبان یوسف پیامبر) در بند استند. وقتی کرزی بد جنس روز زن را در محفلی با حضور داشت آدمخوران و جانبانی مانند فهیم، خلیلی، محقق، سیاف، صبغت الله مجددی، پیر گیلانی، محمدی و.....چند جانور دیگر تجلیل می دارد آیا کسی دیده است که خانمهای آن‌ها هم در آن مجالس تشریف داشته باشند؟؟ آنها با دعوت و آوردن چند زن همکار دولت در محافل این رهبران سیاسی و دینی بیانیه های پر طمطراقی در باره زن و مقام او در جامعه و حقوق آن‌ها از نگاه مدنی و دینی ایراد نموده و دو باره می‌روند پشت انجام کار های اصلی شان. همین‌هایی که نام بردم و صد ها مانند شان، تا امروز خانم هیچ کدام شان در محفلی اشتراک نکرده که در دفاع از حقوق زن تشکیل شده باشد. (البته فاطمه جان گیلانی، سیما ثمر، ملالی جو یا وتی چند دیگر مستثنا استند، چون هر کدام داستان خود را دارند) آن‌ها (مرد ها) می خواهند به مردم بفهمانند که آن‌ها دفاع از زن را در جمله وظایف شان دارند و زنان حق سخن گفتن را در همچو مجالسی نداشته تا از حقوق مشروع و قانونی و انسانی خود دفاع نمایند؟ آن‌ها که خود پایمال کننده حق زن استند می گویند زن چنین است و چنان!! و یا هم اگر از این چک چکی های اسلام در خارج از کشور که از شرایط نهایتاً خوب بر خوردار استند یاد نمائیم موجودات عجیبی مقابل چشمان ما در قالب و چوکات بندی آدمی با مفکوره نهایت خرافی هزاران سال قبل تجسم می‌یابد مثلاً همین آقای پرو فیسور ستار سیرت!! استاد سادات، استاد ابوبکر، استاد مجددی (چند نفر) استاد داکتر ارشد ارشاد، شارلتانی به نام فرید یونس- این یکی نه قرآن می فهمد و نه حدیث- و جند نفر جمبوری شان مثل قاری صفی الله، "طاحا" و چند مقلد دیگر جلو دیدگان جلوه گر شده که سمبول اسلام مدرن می باشند. این‌ها همه آیات و احادیث ضد حقوق زن را یاد دارند ولی باآنهم در صورت لزوم بیشرمانه در بعضی مجالس و محافل از حقوق زن دفاع می کنند اما.... زنهای خود شان مشغول کار های خانه استند و آن‌ها را با خود بیرون نیاورده و نمی گذارند در مجالس اشتراک کنند چون می ترسند نگاه شهوت آلود مردان آن زن را به بیراهه بکشد؟؟ این جمله را استاد ابوبکر واضح و صریح بیان داشته است. آن اولی که می گویند پرو فیسور است یعنی آقای "سیرت" اگر از گذشته پر ننگ و سیاه سیاسی‌اش و ساخت و بافت او در چوکات همکاری با بابای کرزی یعنی ظاهر شاه با طالبان زمانی که آن‌ها امارت اسلامی داشتند و فرمان دادند شیشه‌های خانه‌ها باید رنگ سیاه شود، زن حق کار کردن را ندارد، تحصیل در مکاتب و پوهنتونهای افغانستان برای زنها ممنوع است و خلاصه زن نمی تواند بدون محرم شرعی از خانه بیرون شوند - با تأسف این حکم را آقای سعیدی هم نظر به آیات و احادیثی که خوانده‌اند، تذکر دادند بدون آن تبصره ای در خور مقام زن در آن مورد بنمایند- بگذریم و نادیده بگیریم جناب شان فتوا دادند که در اسلام از دواج با طفل چهار ساله مجاز است؟؟؟؟ بهیه اسلام نازنین و دین متکامل بشریت؟؟؟ شنیدم همین آقا با داشتن چنین مفکوره ای تصمیم دارد خود را منحیث نوکر جدید استعمار به ریاست جمهوری افغانستان هم کاندید بدارد؟؟ این اشخاص و عمل‌کرد شان همه بیانگر حقوق زن در اسلام است؟؟!! رهبران اسلام در کشور ما که خود نظر به وابستگی‌های طبقاتی شان مبدل به غلامان و پیروان شیخک های عرب استند از ناهید ها.... مینا ها.... نمی دانند و خبر ندارند اما می دانند کدام شب فلان خانم محمد نوبت همخوابگی اش را به فلان داد؟؟ و فلان خانم شان مجبور به تمیز کردن تنبان محمد بعد از عمل جماع بود (معذرت می خواهم) این‌ها چنین مسلمانند و حقوق زن و در خصوص حق زن افغان را در همین چوکات مطرح می دارند.

اینجا بود که من نوشتم **بیچاره زن**؟؟؟ مسلماً دولت های طبقاتی تا امروز بر زن هر چه ظلم و ناروا بوده است با همکاری دین سازان روا داشته‌اند تا این که همان زنها به مرور زمان متوجه شده و با رشد فکری که نصیب شان

گرفته با استفاده از شعور انسانی خود و فهمیدن نقش مؤثر و مثبت خود ها در جوامع بشری به مبارزات پرداخته تا این که آزادی های نسبی را در بعضی ممالک برای خود کما می نمایند .

اما در کشور ما !! شرایط فرق می کند. یکی این که سنت های مرد سالاری طی گذشت قرون متوالی و طرح قوانین مردانه در جهت اسیر نگهداشتن زنها، هدایات و احکام دینی و قرآنی در محکومیت زن، عنعنات و فرهنگ های نامطلوب و خرافی فرمان بر داری زن از مرد یعنی مالک آن ها همه و همه در محکوم و محروم نگهداشتن زنها رول داشته و دارند و همچنان این رقاصه های عرب، این مسلمانهای میمون صفت و این خود خواهان لگام گسیخته پیروان وحشت و بربریت خود را پیرو مدنیت و عدالت دانسته و زن را در کشور ما مساوی ساختند به حیوان و جنس مصرفی ؟.

درد من این است که کمتر خانمها و روشنفکران زن در بیداری و روشن اندیشی زنان افغان ورهائی آن ها از این همه قید و قیود غیر انسانی شیخکان عرب و چک چکی های آنها سهم می گیرند ؟ مثلاً در همین پورتال آزادگان به جز دیپلوم انجنیر نسرین جان معرو فی، رحمیه جان توخی و دوسه خواهری که درین اواخر با ارسال اندک نوشته ها و اشعار سهم مثبت گرفته اند آن دیگر خانمهای آگاه و با مسؤولیت کجا هستند ؟

تا جایی که من می دانم دختران و خواهران ما که در داخل کشور هستند خیلی ها علاقه مند فهمیدن رهیابی از این بدبختی ها بوده و همیشه در صدد پیدا نمودن راه حلی که امکان پذیر و عملی باشد، می باشند.

استاد گرانمایه و معزز !! مرا ببخش از این که جرأت نموده چند سطر غرض روشن شدن نوشته قبلی نوشتم. آن را به مثابه زبان بازی و یا چیزی دیگر لطفاً محاسبه نفرمائید.

بنده فقط خواسته ام این دختران و زنان افغان به خود آیند. بدانند بر آن ها مادران، مادرکلانها و آباء و اجداد شان چه گذشته و از دست دین و تاجران دین چه مصیبت هائی بر ایشان روا شده است و آرزو دارم زنان با شعور، آگاه با معرفت انسانی قدم پیش گذارند. غم های زنان افغان را تشریح دارند. مشکلات شان را بشمرند و راه نجات شان را به ایشان روشن سازند نه این که مرد ها را که خود باعث بدبختی زنها هستند اجازه دهند، رهنما باشند. چون مرد ها در قبال زندگی و سرنوشت زنها و تعیین مقررات برای شان امتحان داده اند

من با تائید صد در صد نوشته پر مایه شما، نوشته آقای ناتور رحمانی. دیپلوم انجنیر نسرین معرو فی، محترم کبیر توخی، رحمیه توخی که در تاریخ ۸ مارچ نشر شده است فقط باز هم عرض می دارم که زنها افغان باید تکان بخورند. به خود آیند. متشکل شوند و با مبارزات پیگیر، خود و ملتی را نجات دهند.

به امید آرزو